

تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی با هویت بازانديشانه (مورد مطالعه: دانشجویان کارشناسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان)

دکتر صمد رسولزاده اقدم^۱، صمد عدلی پور^۲ و خدیجه کوهی^۳

تاریخ وصول: ۹۵/۳/۹

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۲۷

چکیده:

اندیشمندان علوم اجتماعی بر این باورند که سرمایه‌ی اجتماعی یکی از متغیرهایی است که می‌تواند به‌طور مستقیم و غیر مستقیم بر هویت افراد جامعه تأثیرگذار باشد. لذا، هدف پژوهش حاضر، مطالعه‌ی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی با هویت بازانديشانه در بین دانشجویان است. این مطالعه از نوع پیمایشی است که بر روی ۳۱۶ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ که با روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده انتخاب شده‌اند، صورت گرفته است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که بین سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن (اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، حمایت اجتماعی و حجم شبکه‌ی ارتباطی افراد) با هویت بازانديشانه‌ی دانشجویان همبستگی معنادار مستقیمی وجود دارد. نتایج آزمون رگرسیون نیز بیانگر آن است که از بین ابعاد پنج‌گانه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی، فقط بعد مشارکت اجتماعی تأثیر معناداری بر هویت بازانديشانه‌ی دانشجویان ندارد و ابعاد دیگر سرمایه‌ی اجتماعی توانسته‌اند ۲۰ درصد از تغییرات هویت بازانديشانه‌ی دانشجویان را تبیین کنند.

مفاهیم کلیدی: سرمایه‌ی اجتماعی، هویت، هویت بازانديشانه

^۱ استادیار گروه مطالعات خانواده دانشگاه شهید مدنی آذربایجان s.rasoulzadeh@azaruniv.edu
^۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز (نویسنده‌ی مسئول) samadadlipour@gmail.com
^۳ دانشجوی کارشناسی مطالعات خانواده دانشگاه شهید مدنی آذربایجان kh.kouhi@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

جامعه‌شناسان اغلب معتقدند که منابع شکل‌دهنده‌ی هویت در جوامع گذشته از قبل مشخص بود و هویت افراد بیشتر جنبه‌ی انتسابی داشت و این امر باعث می‌شد که افراد یک جامعه از لحاظ امر هویت‌یابی چندان دستخوش تغییر و دگرگونی واقع نشوند. در واقع در گذشته، مکان نقش کلیدی در خلق هویت اجتماعی افراد داشت؛ چون که افراد در محیط‌های کوچک و بسته زندگی می‌کردند و هویت اجتماعی آن‌ها با ارتباط رو در رو با اطرافیان در یک محیط ثابت شکل می‌گرفت. افراد کمتر با دنیای خارج ارتباط داشتند و سنت‌های بومی - محلی بخش اعظم هویت آن‌ها را شکل می‌داد. اما به دنبال مدرنیته و ظهور فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی نقش مکان در شکل‌دهی به هویت بسیار کم‌رنگ شد؛ زیرا رسانه‌ها و فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی می‌توانند فرد را از مکان خود او جدا کنند و به جهان پیوند بزنند. در نتیجه افراد با منابع هویت‌یابی متعددی رو به رو شدند و هویت‌یابی شکلی غیر محلی و جهانی پیدا کرده است (خانی‌جزئی، ۱۳۸۸: ۳۵).

امروزه، یکی از مهم‌ترین مباحث مورد توجه‌ی اندیشمندان اجتماعی که می‌تواند بطور مستقیم و غیر مستقیم بر هویت افراد جامعه تأثیرگذار باشد و همچنین از آن تأثیر پذیرد، سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه است. این متغیر افراد را قادر می‌سازد تا شبکه‌ای از روابط اجتماعی را نسبت به یکدیگر حفظ کنند و تداوم بخشند (هزارجریبی و لهراسبی، ۱۳۹۰: ۲).

سرمایه‌ی اجتماعی را می‌توان به‌عنوان هنجارها و روابط اجتماعی که در ساختارهای اجتماعی ریشه دارد و افراد را به عملکرد هماهنگ و دست‌یابی مطلوب به اهداف قادر می‌سازد، تعریف کرد (کوهن و پروساک، ۲۰۰۱). در واقع، سرمایه‌ی اجتماعی که پدیده‌ای ناشی از شکل و نوع روابط اجتماعی بین کنشگران اجتماعی است، مستقیماً به آن دسته از چارچوب‌های رفتاری مربوط است که کنشگران در طول جریان جامعه‌پذیری در خود درونی کرده و با الگوگیری از عناصر آن، به ساختن هویت شخصی و اجتماعی خویش نایل شده‌اند. اندیشمندان علوم اجتماعی سرمایه‌ی اجتماعی را اساس هویت، شناسایی و اعتبار جامعه می‌دانند و افزایش سطح بی‌اعتمادی در جامعه، کاهش سطح تعهد اجتماعی، پایین آمدن میزان مشارکت‌های اجتماعی و افزایش آسیب‌های اجتماعی را معلول کاهش

سرمایه‌ی اجتماعی می‌دانند (وحیدا و همکاران، ۱۳۸۳: ۶۲). از این‌رو هدف پژوهش حاضر مطالعه‌ی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی با هویت بازانديشانه‌ی دانشجویان است. برای هر جامعه‌ای دانشجویان مهم‌ترین سرمایه‌های انسانی محسوب می‌شوند و به مثابه آینده‌سازان جامعه دانستن و اطلاع یافتن از وضعیت سرمایه‌ی اجتماعی و هویت اجتماعی آنان ضرورتی انکارناپذیر است. امروزه نگرانی‌های مربوط به روند رو به تنزل سرمایه‌ی اجتماعی و چالش‌های هویتی به مهم‌ترین دغدغه‌ی دانشمندان علوم اجتماعی تبدیل شده است. برای مثال، نتایج تحقیقات شارع‌پور (۱۳۸۷)، فیروزجائیان و علی بابایی (۱۳۹۲)، رفیعی جیردهی و همکاران (۱۳۹۳)، حاکی از آن است که میزان سرمایه‌ی اجتماعی در ایران روند نزولی دارد. برخی نیز به تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر هویت اشاره نموده‌اند (شارع‌پور، ۱۳۸۱؛ وحیدا و همکاران، ۱۳۸۳). طرح این مباحث، اهمیت پرداختن به مقوله‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و رابطه‌ی آن با هویت را روشن می‌سازد؛ زیرا سرمایه‌ی اجتماعی برای حل مسائل مطرح شده از ظرفیت و قابلیت بالایی برخوردار است و به نوبه‌ی خود می‌تواند در تکوین هویت دانشجویان اثرگذار باشد؛ همچنین شناسایی وضعیت سرمایه‌ی اجتماعی و رابطه‌ی آن با هویت دانشجویان، عامل مؤثری بر توسعه‌ی اجتماعی و فرهنگی جامعه است (صیدی، ۱۳۹۲: ۱۷۷). علاوه بر این، آگاهی و اطلاع از میزان سرمایه‌ی اجتماعی آنان و دانستن نوع ارتباط آنان با نحوه‌ی تعریف و برداشت آنان و از جنبه‌های اجتماعی هویت خویش برای هر نوع برنامه‌ریزی اجتماعی و فرهنگی آنان لازم و ضروری است.

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

رنانی و همکارانش (۱۳۸۸)، در پژوهشی با عنوان «نقش منابع هویت و معرفت در تشکیل سرمایه‌ی اجتماعی دانشجویان دانشکده‌ی اقتصاد دانشگاه اصفهان» به این نتیجه رسیده‌اند که منابع هویت در تشکیل سرمایه‌ی اجتماعی تأثیر معنادار و مثبت دارد؛ ولی منابع معرفت نتوانسته است منجر به تقویت سرمایه‌ی اجتماعی شود (رنانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۸).

یافته‌های پژوهش جهانگیری و معینی (۱۳۸۹)، در مطالعه‌شان تحت عنوان «بررسی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و هویت ملی؛ نمونه‌ی مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شیراز»، نشان می‌دهد که بین متغیرهای محل تولد، محل سکونت، اعتماد اجتماعی، مشارکت، تعاملات اجتماعی و جهت‌گیری مذهبی و هویت ملی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. همچنین رابطه‌ی معناداری بین سرمایه‌ی اجتماعی و هویت ملی وجود دارد (جهانگیری و معینی، ۱۳۸۹: ۳۷).

خدایی و مبارکی (۱۳۸۹)، در پژوهشی با استفاده از داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی به بررسی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و هویت در میان هفتاد کشور پرداخته‌اند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که بین هویت اجتماعی و سرمایه‌ی اجتماعی ارتباطی مثبت، متقابل و معنادار وجود دارد (خدایی و مبارکی، ۱۳۸۹: ۱).

یافته‌های پژوهش توسلی و ابراهیم‌پور (۱۳۹۰)، در پژوهشی تحت عنوان «هویت‌یابی مدرن و سرمایه‌ی اجتماعی دانشجویان»، حاکی از آن است که هر چه دانشجویان از هویت سنتی فاصله گرفته و در رده‌ی مدرن قرار می‌گیرند، میزان سرمایه‌ی اجتماعی‌شان کاهش می‌یابد. دانشجویان سنتی‌تر دارای سرمایه‌ی اجتماعی بیشتری نسبت به دانشجویان مدرن هستند. دانشجویان شهری از سرمایه‌ی اجتماعی نهادی و دانشجویان روستایی از سرمایه‌ی اجتماعی فردی بالایی برخوردارند (توسلی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۰: ۷).

هزارجریبی و لهراسبی (۱۳۹۰)، در مطالعه‌شان با عنوان «بررسی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی با میزان هویت جمعی»، بیانگر آن است که سرمایه‌ی اجتماعی تأثیری مستقیم و معنادار بر هویت جمعی دارد. در مجموع از نتایج پژوهش، می‌توان چنین استنباط کرد که دانشجویان مورد مطالعه به نسبت دارای هر سه نوع هویت قومی، ملی و جهانی بوده که این هویت‌ها چندان تقابل و ضدیتی با هم نداشته و در صدد نفی یکدیگر نبوده بلکه در یک حالت رفت و برگشتی قرار گرفته‌اند (هزارجریبی و لهراسبی، ۱۳۹۰: ۱).

قادرزاده (۱۳۹۰)، در پژوهشی به مطالعه‌ی «تأثیر اشکال مختلف سرمایه بر هویت جمعی زنان» در شهر سنندج پرداخته است. یافته‌های وی نشان می‌دهد که بین سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی و برجستگی‌های هویت‌های ملی و قومی به ترتیب

همبستگی مثبت و منفی وجود دارد و سرمایه‌ی اقتصادی همبستگی مثبتی با هویت جمعی دارد (قادرزاده، ۱۳۹۰: ۳۵).

یافته‌های صیدی (۱۳۹۲)، در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تجربی رابطه‌ی ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی و هویت اجتماعی» حاکی از آن است که بین متغیرهای مستقل تحقیق (مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی) با هویت اجتماعی دانش‌آموزان مقطع پیش‌دانشگاهی شهر ایلام رابطه‌ی معناداری وجود دارد (صیدی، ۱۳۹۲: ۱۸۹).

ب) تحقیقات خارجی

یافته‌های جی‌یانگ و کارول^۱ (۲۰۰۹)، در پژوهشی با عنوان «سرمایه‌ی اجتماعی، شبکه‌ی اجتماعی و پیوندهای هویت» نشان دادند که هویت جمعی هم بطور مستقیم و هم از طریق تأثیرگذاری بر پیوندهای اجتماعی بر سرمایه‌ی اجتماعی افراد تأثیر چشمگیری می‌گذارد (جی‌یانگ و کارول، ۲۰۰۹: ۵۷).

کاننکو و کارپف^۲ (۲۰۱۲)، در مطالعه‌شان تحت عنوان «هویت جمعی و سرمایه‌ی اجتماعی جنبش فولکلور معاصر روسیه» نشان دادند که تعلق خاطر داشتن جنبش‌های فولکلور به هویت جمعی‌شان باعث تقویت سرمایه‌ی اجتماعی این جنبش‌ها شده است (کاننکو و کارپف، ۲۰۱۲: ۷۷).

یافته‌های دیویس^۳ (۲۰۱۴)، در پژوهشی با عنوان «سرمایه‌ی اجتماعی و هویت اجتماعی: اعتماد و کشمکش» حاکی از آن است که بین سرمایه‌ی اجتماعی و هویت اجتماعی افراد رابطه‌ی معنادار مستقیمی وجود دارد؛ همچنین انواع مختلف انگیزه‌های فردی با اشکال مختلف سرمایه‌ی اجتماعی و هویت اجتماعی مرتبط است (دیویس، ۲۰۱۴: ۱).

نتایج پژوهش‌های فوق به مثابه بخشی از تحقیقات تجربی در داخل و خارج کشور، نشان می‌دهد که بین سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد مختلف آن با هویت اجتماعی رابطه‌ی

^۱ Jiang & Carroll

^۲ Kononenko & Karpova

^۳ Davis

معناداری وجود دارد. همچنین بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته فقط به بررسی رابطه‌ی هویت اجتماعی و ابعاد آن همچون «هویت ملی و هویت دینی که به نوعی تحت عنوان هویت‌های سنتی شناخته می‌شوند» (عدلی‌پور، ۱۳۹۱: ۵۱)، با سرمایه‌ی اجتماعی پرداخته‌اند. همچنین اکثر این پژوهش‌ها از میان ابعاد متعدد سرمایه‌ی اجتماعی فقط به مطالعه‌ی تأثیر اعتماد اجتماعی بر هویت پرداخته‌اند و از سایر ابعاد این مفهوم چشم‌پوشی کرده‌اند. علاوه بر این، با توجه به اینکه در عصر جدید، هویت به صورت رفتارهایی جلوه‌گر می‌شود که بطور بازاندیشانه به وجود می‌آید و در واقع هویت افراد خصلتی بازاندیشانه به خود گرفته است، آیا می‌توان گفت که سرمایه‌ی اجتماعی کماکان یکی از عوامل تأثیرگذار بر هویت‌یابی مدرن (هویت بازاندیشانه) افراد است؟ بنابراین، پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش است.

گستره نظری پژوهش

سرمایه اجتماعی

مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی را بطور کلی می‌توان منابعی تعریف کرد که میراث روابط اجتماعی‌اند و کنش جمعی را تسهیل می‌کنند. این منابع که از طریق اجتماعی‌شدن حاصل می‌شوند در برگیرنده‌ی اعتماد، هنجارهای مشارکتی و شبکه‌هایی از پیوندهای اجتماعی است که موجب گرد آمدن افراد به صورتی منسجم و با ثبات در داخل گروه به منظور تأمین هدفی مشترک می‌گردد (زاهدی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱). از مهم‌ترین نظریه‌پردازان حوزه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی می‌توان به بوردیو، کلمن و فوکویاما اشاره نمود. به زعم پورتز^۱ بوردیو اولین کسی است که تحلیل منظمی از سرمایه‌ی اجتماعی به دست داده است (پورتز، ۱۹۸۸: ۳). بوردیو سرمایه‌ی اجتماعی را از سایر انواع سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و نمادین متمایز می‌سازد و برای آن خصلتی ساختاری و تعاملاتی قائل است. بوردیو سرمایه‌ی اجتماعی را شبکه‌ی نسبتاً بادوامی از روابط کمابیش نهادینه شده توأم با شناخت و تعهدات از جمله اعتماد متقابل می‌داند که به‌عنوان منابعی بالفعل یا

^۱ Portes

بالقوه موجبات لازم برای تسهیل کنش‌های فردی و یا جمعی کنشگران را فراهم می‌سازد (بورديو، ۱۹۸۶: ۲۴۸). وی انواع سرمایه‌ها را قابل تبدیل به هم می‌داند، لذا سرمایه‌ی اجتماعی در عین اینکه تحت تأثیر سایر انواع سرمایه‌هاست، خود نیز بر کم و کیف آنها تأثیر می‌گذارد. در دیدگاه بورديو کنشگران اجتماعی تحت تأثیر دو عامل میدان‌های اجتماعی و هبیتاس به کسب انواع سرمایه‌ها نائل می‌شوند و بر اساس آنها جایگاه خود را در فضای اجتماعی و در درون میدان‌های اجتماعی تعیین می‌کنند. با توجه به تنوع این میدان‌ها و انواع روابط متقارن و نامتقارن بین آنها سرمایه‌ی اجتماعی هم می‌تواند به انواع متفاوت مثلاً درون‌گروهی یا بین‌گروهی تقسیم شود و بین انواع سرمایه‌ها و کنشگران بهره‌مند از آنها انواع روابط متقارن و نامتقارن برقرار گردد (عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۶: ۲۰۲).

جیمز کلمن نیز همچون بورديو، سرمایه‌ی اجتماعی را از سایر انواع سرمایه‌های فیزیکی، اقتصادی و انسانی و ... متمایز می‌کند و برای آن خصلتی ساختاری و تعاملاتی قائل است که کنشگر با عضویت در گروه و تعامل با سایر کنشگران با رعایت اصول و قواعد مورد پذیرش در آن گروه و جلب اعتماد دیگران، به اطلاعات مورد نیاز دست می‌یابد و در فرایند کنش از حیات جمعی برخوردار می‌گردد. بنابراین سرمایه‌ی اجتماعی تسهیل‌کننده کنش‌هاست (کلمن، ۱۹۹۴: ۳۰۲). در واقع، کلمن معتقد است که سرمایه‌ی اجتماعی با کارکردش تعریف می‌شود، به زعم وی سرمایه‌ی اجتماعی شیء واحدی نیست بلکه انواع چیزهای گوناگونی که دو ویژگی مشترک دارند: همه‌ی آنها جنبه‌ای از ساخت اجتماعی هستند و کنش‌های معین افراد را در درون ساختار تسهیل می‌کنند. سرمایه‌ی اجتماعی، مانند شکل‌های دیگر سرمایه‌ی مولد است و دستیابی به هدف‌های معین را که در نبود آن دست‌یافتنی نخواهد بود امکان‌پذیر می‌سازد (ناطق‌پور و فیروزآبادی، ۱۳۸۵: ۱۶۲-۱۶۱).

فوکویاما هم از اندیشمندانی است که در زمینه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی دیدگاه مهمی ارائه کرده است. وی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی با توسعه‌ی اقتصادی را در نظر می‌گیرد و معتقد است که سطوح بالای سرمایه‌ی اجتماعی، صداقت و اعتماد، افراد را به انجام دادن کارهای مشارکتی و تعاونی مشتاق می‌سازد (فانعی‌راد و حسینی، ۱۳۸۴: ۱۰۵). از نظر

فوکویاما سرمایه‌ی اجتماعی را به سادگی می‌توان به‌عنوان وجود مجموعه‌ی معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیر رسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان‌شان مجاز است، در آن سهیم هستند (فوکویاما، ۱۳۸۶: ۱۰).

سرمایه‌ی اجتماعی دارای چندین مؤلفه است و در پژوهش حاضر به کمک مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، حمایت اجتماعی، انسجام اجتماعی و حجم شبکه‌ی ارتباطی مورد سنجش قرار گرفته است. اعتماد را می‌توان اطمینان فرد به دیگران و عدم بدگمانی به افراد جامعه تعریف کرد (حسینی، ۱۳۸۹: ۳۸). اعتماد اجتماعی زیربنای نظم جامعه است. اعتماد اجتماعی نه تنها موجب پایبندی به اصول مشترک و پیش‌بینی‌پذیر بودن الگوهای رفتاری می‌شود، بلکه در تقویت همبستگی و انسجام اجتماعی نیز مؤثر است. اعتماد اجتماعی دلالت بر انتظارها و تعهدهای اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی‌شان دارند، تعریف شده است، و قرین با رابطه‌ی متقابل تعمیم‌یافته می‌باشد (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۱-۸۰).

مشارکت به معنی به‌کار گرفتن منابع شخصی به منظور سهیم شدن در یک اقدام جمعی است. در واقع، مشارکت عملی جمعی، آگاهانه و داوطلبانه است که دربردارنده‌ی دخالت شهروندان در امور عمومی و در سطوح مختلف تصمیم‌گیری‌های اداری و سیاسی و انداختن رأی به صندوق تا مساعدت مستقیم به ارضای نیازهای اجتماعی و همچنین دخالت مردم در کارکرد سازمان‌هایی است که حیات کاری‌شان به آن بستگی دارد. در این راستا، مشارکت اجتماعی نیز دربرگیرنده‌ی انواع مختلف کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم‌گیری درباره‌ی امور عمومی است (موسوی، ۱۳۸۵: ۷۷).

حمایت اجتماعی مفهومی چند بعدی است که به اشکال و طرق مختلفی تعریف شده است. برای مثال، می‌توان آن را به‌عنوان یک منبع فراهم شده توسط دیگران، به‌عنوان امکاناتی برای مقابله با استرس، یا یک مبادله‌ای از منابع تعریف نمود. برخی از پژوهشگران، حمایت اجتماعی را میزان برخورداری از محبت، همراهی، مراقبت، احترام، توجه و کمک

دریافت شده توسط فرد از سوی افراد یا گروه‌های دیگر نظیر اعضای خانواده، دوستان، و دیگران مهم تعریف کرده‌اند. در مجموع، شاید بتوان گفت که حمایت اجتماعی یعنی این احساس که شخص مورد توجه دیگران است و دیگران برای او ارزش قائلند و این که او به یک شبکه‌ی اجتماعی متعلق است (ریاحی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۸).

دیگر بعد سرمایه‌ی اجتماعی، انسجام اجتماعی است. انسجام اجتماعی یعنی همگونی طرز تلقی‌ها و داوری‌ها درباره‌ی جهت‌گیری‌ها یا اهداف یکسان؛ یعنی این که در میان افراد درگیر در گروه، خصوصاً در فرایند ارتباطات و در زمینه‌ی انتقال اطلاعات و استفاده از نمادها و غیره توافق مشترک وجود داشته باشد (امام‌جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶). در واقع، انسجام اجتماعی دلالت بر توافق جمعی میان یک جامعه دارد. به عبارتی انسجام در کل ناظر به میزان و الگوی رابطه‌ی متقابل میان کنشگران، گروه‌ها و خرده فرهنگ‌های تمایز یافته است.

آخرین بعد سرمایه‌ی اجتماعی حجم شبکه‌ی ارتباطی است که اشاره به انسان‌هایی دارد که به واسطه‌ی یک یا چند نوع رابطه‌ی اجتماعی با یکدیگر در اتصال و پیوند قرار گرفته‌اند (اسکات و مارشال، ۲۰۰۹: ۵۱۰).

هویت بازانديشانه

گیدنز در کتاب‌های پیامدهای مدرنیته (۱۹۹۰)، مدرنیته و هویت شخص (۱۹۹۱) و دگرگونی در روابط نزدیک (۱۹۹۲)، به مسئله‌ی هویت در عصر مدرن می‌پردازد. به اعتقاد گیدنز در جوامع مدرن، هویت شخصی اهمیت فزون‌تری می‌یابد. همه‌ی انسان‌ها در جوامع مدرن باید به سؤالات مهمی درباره‌ی هویت خود پاسخ بدهند و ناگزیر در طول زندگی انتخاب‌های مهمی کنند. در جوامع سنتی کم و بیش نقش‌های ثابتی برای افراد تعریف می‌شد. در حالی که در جوامع مدرن، انسان باید نقش‌هایش را بسازد (گیدنز، ۱۹۹۱: ۷۰). اهمیت یافتن مسئله‌ی هویت، هم یکی از علل تغییرات نهادی است و هم یکی از نتایج آن. گیدنز معتقد است که «در دنیای مدرن، هویت شخصی و اجتماعی به‌طرزی متباین با ارتباطات شخصی - اجتماعی جوامع سنتی تر مسئله‌زا می‌گردد» (گیدنز، ۱۳۸۸: ۶۲). اگر

مدرنیته را فرایند فشردگی فزاینده‌ی زمان و فضا در سایه‌ی گسترش تکنولوژی، که به‌واسطه‌ی آن مردم دنیا کم و بیش به‌صورتی نسبتاً آگاهانه در جامعه‌ی متجدد و جهانی واحد ادغام می‌شوند بدانیم» (گل‌محمدی، ۱۳۸۹: ۲۰۳). می‌توان عنوان کرد که این جریان با دگرگون کردن شرایط و چارچوب سنتی هویت‌سازی و تضعیف و انحلال منابع هویت‌ساز سنتی، فرایند هویت‌سازی را در جهان کنونی متمایز از قبل می‌کند. هر چند دانشمندان بر سر منابع هویت‌بخش اجماع ندارند ولی دست کم در این مورد اتفاق نظر وجود دارد که با بسط فرایند مدرنیته منابع سنتی هویت‌بخش به تدریج رو به اضمحلال و تحلیل رفته تا حدی که قدرت استیلای خود را بر معنادگی به هویت‌کنش‌گران از دست می‌دهد. «فضامند کردن زندگی اجتماعی، متحول کردن فضا و زمان و نسبی کردن فرهنگ، هویت‌سازی سنتی را بسیار دشوار و حتی ناممکن کرده است و مسئولیت هویت‌سازی را بر عهده فرد گذارده است (زلفعلی‌فام و ابراهیم‌پور، ۱۳۸۷: ۱۸۳). در این راستا گیدنز معتقد است که با فرایند مدرنیته و گسترش فضای اجتماعی به‌واسطه‌ی رسانه‌های جمعی، امکان هویت‌یابی در چارچوب محدود و معین اجتماعی رو به کاهش است.

در چنین حالتی هویت امری ترکیب‌یافته از عناصر فرهنگ‌های گوناگون است. نتیجه آنکه با توسعه‌ی مدرنیته و فرایند جهانی‌شدن به‌واسطه‌ی رسانه‌ها بالنسبه در همه‌ی جوامع تدریجاً منابع سنتی هویت‌ساز رو به اضمحلال رفته و عوامل سازنده‌ی هویت اجتماعی غیر سنتی به منصفی ظهور در می‌آیند. در عصر جدید، که به واقع دوران پس از نظام سنتی است، و ما در برابر اشکال نوین تجربه به‌واسطه‌ی آن هستیم، هویت شخصی و اجتماعی به صورت رفتارهایی جلوه‌گر می‌شوند که به‌طور بازاندیشانه به‌وجود می‌آید. در واقع، گیدنز (۱۹۹۱: ۵۳)، معتقد است در نظم پسا‌سنتی، هویت شخصی پروژه‌ای بازاندیشانه می‌شود؛ پروژه‌ای که پیوسته روی آن کار می‌کنیم. منظور این است که در جامعه‌ی مدرن انسان‌ها دائماً هویت خود را خلق و تصحیح می‌کنند و اینکه چه کسی هستند و چگونه این‌گونه شدند را مدام مرور می‌نمایند. البته هویت شخصی نمی‌تواند به‌راحتی به‌طور ارادی تغییر

کند و پیوستگی دارد، ولی نکته‌ی مهم این‌جاست که این پیوستگی ناشی از باورهای بازانديشانه فرد درباره‌ی زندگی خود است.

در مجموع، گیدنز (۱۳۸۹: ۱۴۸)، معتقد است که در جوامع معاصر تکثرگرا، متنوع و در حال تغییر، جایی که همه چیز مورد مذاقه قرار می‌گیرد، «خود» به پروژه‌ای بازانديشانه تبدیل می‌شود. وی همچنین به «خود خودسازنده»^۱ اولویت زیادی می‌دهد؛ پروژه‌ای که از آن طریق، خود، در سطح فرد، بازانديشانه و تغییردهنده می‌شود. گیدنز بازانديشی در مورد «خود» را فرآیندی مداوم و فراگیر می‌داند که طی آن، فرد، در فواصل زمانی منظم، بر حسب اتفاقاتی که افتاده است به نوعی بازپرسی از خود می‌پردازد. وی معتقد است که ساخت خود، طرح بازانديشانه‌ای است که بخش اساسی مدرنیته را می‌سازد. در اینجا فرد از میان گزینه‌هایی که نظام انتزاعی فراهم می‌کند باید هویت خود را پیدا کند.

چارچوب نظری پژوهش

در جامعه‌ی سنتی، منابعی که هویت افراد را تعریف می‌کنند، محدودند و در عین حال از حالتی تعیین‌بخش برخوردارند، بنابراین ساختارها و نهادهای اجتماعی از قبیل خانواده، دین و نظام سیاسی، در همه‌ی ابعاد، برداشت افراد از خود را تحت سیطره دارند و افراد در چنین حالتی، دارای نقشی انفعالی در هویت‌یابی خود هستند. منابع سنتی هویت‌ساز در این جامعه حالت مسلط دارند ولی در جامعه‌ی مدرن اولاً منابع سنتی هویت‌یابی قدرت و تسلط خود را از دست داده‌اند و ثانیاً در کنار سایر منابع مدرن، نقش کم‌رنگ‌تری ایفا می‌کنند؛ چرا که با گسترش فضای اجتماعی و افزایش ارتباطات اجتماعی به واسطه‌ی گسترش جهان اجتماعی افراد در اثر وسعت تعامل‌های اجتماعی روزانه و نیز استفاده از رسانه‌های جمعی به ویژه شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای و شبکه‌های اجتماعی مجازی در فضای اینترنت، مراجع متعددی در هویت‌یابی افراد اثرگذار می‌شوند و این امر هویت افراد را از حالت سنتی خارج می‌کند و آنها را به سوی هویت‌یابی مدرن و بازانديشانه رهنمون می‌شود. در این حالت که افراد در جوامع مدرن هویت‌هایی متکثر و ترکیبی دارند،

^۱ self-constructing self

امکان دارد در روابط اجتماعی خود با دیگران، میزان بالایی از اعتماد اجتماعی، احساس تعهد و تعلق اجتماعی نشان دهند و در این حالت جامعه از میزان بالایی از سرمایه‌ی اجتماعی برخوردار شود؛ همچنین ممکن است با ناهمخوانی هویتی افراد جامعه با یکدیگر، به دلیل تفاوت در تعلق آنها به زمینه‌های اجتماعی مختلف و نیز برخورداری‌های نایکسان آنها از فضاهای رسانه‌ای و در نتیجه بروز شکل و حالتی از انزوای اجتماعی در میان آنان، میزان پایینی از اعتماد و احساس تعهد و تعلق اجتماعی را نشان دهند که نتیجه‌ی آن، میزان پایین سرمایه‌ی اجتماعی خواهد بود. به نظر می‌رسد، سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه‌ای می‌تواند به میزان بالایی شکل بگیرد که هویت‌های افراد با هم اختلاف عمیقی نداشته باشد و همه‌ی افراد جامعه با توسل به منابع واحد هویت‌بخش، خود را به شیوه‌هایی یکسان درک کرده، بشناسند و به این وسیله رشته‌های مشترک عمیقی افراد را به هم متصل کند. خواه این رشته‌های متصل‌کننده‌ی افراد به هم، از منابع سنتی تغذیه شده باشند، خواه از منابع مدرن؛ مانند رسانه‌های جمعی. مهم وجود میزان بالایی از همخوانی هویتی است که می‌تواند سرمایه‌ی اجتماعی را تقویت کند (توسلی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۰: ۱۷-۱۸).

در مجموع با تکیه بر پیشینه‌ی تجربی پژوهش و چارچوب نظری پژوهش می‌توان فرضیه‌های زیر را طرح نمود.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین سرمایه‌ی اجتماعی و هویت بازانديشانه رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۲- بین اعتماد اجتماعی و هویت بازانديشانه رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۳- بین انسجام اجتماعی و هویت بازانديشانه رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۴- بین حمایت اجتماعی و هویت بازانديشانه رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۵- بین حجم شبکه‌ی ارتباطی افراد و هویت بازانديشانه رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کمی است و به روش پیمایش انجام شده است. برای گردآوری اطلاعات مدنظر از تکنیک پرسشنامه محقق‌ساخته بهره گرفته شده است. جامعه‌ی آماری این پژوهش دانشجویان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ می‌باشد. حجم نمونه با بهره‌گیری از جدول لین^۱ با لحاظ پارامتر ۵۰ درصد، سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای ۵ درصد، ۳۱۶ نفر برآورد شده است. با توجه به تنوع رشته‌ها و دانشکده‌ها از شیوه‌ی نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده استفاده شده است؛ همچنین، جهت تأمین اعتبار طیف‌های بکار رفته در سنجش متغیرها از اعتبار محتوایی و همچنین اعتبار صوری استفاده شده است. بدین صورت که هر متغیر با استفاده از تعاریف نظری موجود و سازه‌های نظری به‌صورت یک سازه‌ی عملیاتی مفهوم‌بندی شده است (اعتبار محتوایی)؛ همچنین پرسشنامه پس از طراحی توسط دو نفر از اساتید جامعه‌شناسی مورد تأیید قرار گرفته است (اعتبار صوری). به منظور دستیابی به پایایی نیز از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. این محاسبات در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: ضرایب آلفای کرونباخ برای متغیرهای پرسشنامه

متغیر	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
اعتماد اجتماعی	۴	۰/۶۸
مشارکت اجتماعی	۴	۰/۶۹
حمایت اجتماعی	۴	۰/۷۰
انسجام اجتماعی	۶	۰/۸۲
حجم شبکه‌ی ارتباطی	۵	۰/۷۲
تفکر بازانديشانه	۴	۰/۶۸
تصور بدن	۱۴	۰/۷۸
اهمیت دادن به روابط شخصی	۴	۰/۷۰
مقاومت در برابر کلیشه‌های جنسیتی	۱۵	۰/۷۸

^۱ Lin

تعریف مفهومی و عملیاتی مفاهیم پژوهش

سرمایه‌ی اجتماعی شامل پنج بعد است که عبارتند از: نهادها، روابط، گرایش‌ها، ارزش‌ها و هنجارهایی است که بر رفتارها و تعاملات بین افراد حاکم است. به عبارت دیگر، سرمایه‌ی اجتماعی آن دسته از شبکه‌ها و هنجارهایی است که مردم را قادر به عمل جمعی می‌کند (جوهری و باقری، ۱۳۸۶: ۳۷). در پژوهش حاضر این مفهوم با استفاده از ابعاد اعتماد اجتماعی، حمایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و حجم شبکه‌ی ارتباطی سنجیده شده است. گویه‌های مورد استفاده برای سنجش مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی در جدول ۲ آورده شده است.

هویت بازانديشانه: همان «خود» است که شخص آن را به عنوان بازتابی از زندگی‌اش می‌پذیرد و دربردارنده‌ی تأمل و بازانديشی در عرصه‌های مختلف زندگی، نگاهی نقادانه به الگوهای رفتاری، اعتقادی و حیطة‌های گوناگون زندگی روزمره است (عدلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱۴). گویه‌های مورد استفاده برای سنجش این متغیر در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲: گویه‌های سنجش سرمایه‌ی اجتماعی و هویت بازانديشانه به تفکیک ابعاد آنها

متغیر	بعد	گویه	KMO
سرمایه اجتماعی	اعتماد اجتماعی	دوستی و رفاقت مربوط به دوران قدیم بود، در این دوره و زمانه آدم نباید گول این حرف‌ها را بخورد. این روزها شرایط به گونه‌ای شده که شما حتی نمی‌توانید به برادر و خواهر خودتان نیز اعتماد کنید. من به مردمی که قومیتی متفاوت از من دارند، اعتماد ندارم. من به افرادی که هم‌وطن من نیستند، اعتماد ندارم	KMO = ۰/۸۱ Sig = ۰/۰۰۰
	مشارکت اجتماعی	کار گروهی و مشارکتی، آزادی و اختیار را از آدم می‌گیرد. کار شراکتی و جمعی، کمتر به نتیجه می‌رسد و به رفتاری‌های آن نمی‌آرزد. من اغلب در کارهای گروهی و عام‌المنفعه شرکت می‌کنم. من به عنوان یک ایرانی، در اغلب انتخابات و رأی‌گیری‌ها مشارکت می‌کنم	
	حمایت اجتماعی	چند نفری وجود دارند که برای حل مشکلاتم از آنها کمک بگیرم. کسانی وجود دارند که من می‌توانم برای مشاوره در مورد تصمیم‌گیری‌های بسیار مهم از آنها کمک بگیرم. وقتی که من احساس تنهایی می‌کنم، کسانی هستند که می‌توانم با آنها صحبت کنم. در شرایط سخت زندگی روی کمک و حمایت قوم و خویشم حساب می‌کنم	
	انسجام اجتماعی	تنها موسیقی که برایم لذت‌بخش است، موسیقی سنتی کشورم است. به ادبیات، شعر و زبان ملت خود علاقه‌مندم. اکثر نگرش‌های من به زندگی متأثر از ارزش‌های اجتماعی کشورم است. اکثر اوقات در زندگی از آداب و رسوم و ارزش‌های فرهنگی کشورم الگو می‌گیرم. این که عضوی از فرهنگ ایرانی باشم، نقش مهمی در زندگی من دارد. از شنیدن سرود رسمی کشورم احساس غرور و سربلندی می‌کنم	
	حجم شبکه‌ی ارتباطی	من با مردمی که درست مثل من هستند، در ارتباطم. من با مردمی که طبقه‌ی اقتصادی متفاوتی نسبت به من دارند نیز ارتباط برقرار می‌کنم. من با مردمی که مذهبی متفاوت از من دارند نیز ارتباط برقرار می‌کنم. من فقط مراقب دوستان نزدیکم هستم. افراد خارج از دایره‌ی دوستان صمیمی‌ام، برایم مهم نیستند	
هویت بازانديشانه	تفکر بازانديشانه	تا چه اندازه گفتگو با دوستانتان موجب تغییر و تجدید نظر در رفتار شما می‌شود؟ تا چه اندازه در برابر انتقادهای دوستانتان، بحث و استدلال می‌آورید؟ تا چه حد می‌توانید در خانواده یا کلاس برای دفاع از نظرات خود استدلال‌های مناسب ارائه دهید؟ تا چه اندازه می‌توانید عادات خود را کنار گذاشته و تغییرات جدید را بپذیرید؟	KMO = ۰/۸۰ Sig = ۰/۰۰۰

KMO	گویه	بعد	متغیر
	<p>لاغری اندام نشانه‌ی زیبایی است. این روزها مردم بیشتر به اندام ظریف توجه می‌کنند. اگر وزنم اضافه شود، بسیار ناراحت و مضطرب می‌شوم. حفظ زیبایی ظاهری برایم خیلی مهم است. داشتن اندام زیبا و متناسب برای یک انسان از ضروریات است. داشتن تناسب اندام، باعث تحسین دیگران می‌شود. اغلب یکی از دغدغه‌های ذهنی من داشتن و حفظ زیبایی و تناسب اندام است. در صورت داشتن تناسب اندام، احساس موفقیت و شادی بیشتری دارم/خواهم داشت. اغلب برای حفظ تناسب اندامم، به رژیم غذایی خود توجه دارم. اغلب برای ایجاد یا حفظ تناسب اندامم به‌طور مرتب ورزش می‌کنم. وزن خودم را به منظور ایجاد یا حفظ تناسب اندام مرتب چک می‌کنم. به نظرم این روزها، تناسب اندام در زندگی مردم جامعه‌ی ما، جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. استفاده از وسایل آرایشی افراد را جذاب‌تر می‌کند. پوشیدن لباس‌های چسبان برای جوانان اشکالی ندارد</p>	تصور بدن	
	<p>رابطه با دوستان تان تا چه میزان برای شما اهمیت دارد؟ تا چه حد استقلال و آزادی تصمیم‌گیری در روابط با دیگران برای شما مهم است؟ شما تا چه میزان با برقراری رابطه با جنس مخالف موافقت می‌کنید؟ تا چه حد آن چیزی که برای شما مهم است تجربه‌ی شخصی شماست، نه چیزی که جامعه و سنت و دیگران به شما می‌گویند؟</p>	اهمیت دادن به روابط شخصی	
	<p>در خانه حرف آخر را باید مرد بزند. مرد سایه سر زنش است. بزرگ‌ترین افتخار یک زن، مادری است. تحصیلات دانشگاهی برای پسران مهم‌تر از دختران است. داشتن رابطه با جنس مخالف پیش از ازدواج برای دختران زشت‌تر است تا برای پسران. حق طلاق باید با مردان باشد چون زنان احساساتی‌تر هستند. دختران باید بیشتر از پسران در سخن گفتن، ادب را رعایت کنند. بهتر است زنان به جای فعالیت اجتماعی، زمینه را برای مشارکت فعال‌تر مردان در جامعه مهیا سازند. زنان کمتر از مردان توانایی مدیریت و تصمیم‌گیری‌های مهم و حساس را دارند. بسیاری از مشاغل را زنان به همان خوبی مردان انجام می‌دهند. زنان در مجامع عمومی، نباید هر طور دلشان خواست لباس بپوشند. بهتر است زن‌ها هنگام حضور مهمان غریبه چادر سر کنند. کارهای خانه مانند لباس شستن و جارو کردن از شأن مرد می‌کاهد. استفاده از لوازم زینتی و آرایشی در مجامع عمومی برای زن ایراد دارد. هیچ‌جا نباید زنان را بالا دست و رئیس مردان قرار داد</p>	مقاومت در برابر کلیشه‌های جنسیتی	

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

یافته‌های توصیفی پژوهش حاکی از آن است که پاسخگویان در بازه‌ی سنی ۱۸ تا ۳۷ سال قرار دارند و میانگین سنی‌شان ۲۱ سال است. همچنین ۳۸/۶ درصد از پاسخگویان یعنی ۱۲۲ نفر مرد و ۶۱/۴ درصد یعنی ۱۹۴ نفر نیز زن بوده‌اند. از نظر وضعیت تأهل، ۱۹/۳ درصد پاسخگویان متأهل و ۸۰/۷ درصد نیز مجرد هستند. علاوه بر این ۴۲ درصد از پاسخگویان از پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین، ۴۰ درصد متوسط و ۱۸ درصد نیز از پایگاه بالا برخوردار بوده‌اند.

در جدول ۳، میزان سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن قابل مشاهده است. اطلاعات این جدول حاکی از آن است که ۲۶ درصد پاسخگویان میزان سرمایه‌ی اجتماعی‌شان در حد پایین، ۷۱/۲ درصد در سطح متوسط و ۲/۸ درصد نیز در سطح بالایی قرار دارد.

جدول ۳: میزان سرمایه‌ی اجتماعی پاسخگویان و شاخص‌های آن بر حسب فراوانی و درصد

سرمایه‌ی اجتماعی	حجم شبکه‌ی ارتباطی	حمایت اجتماعی	مشارکت اجتماعی	انسجام اجتماعی	اعتماد اجتماعی		
۸۲	۱۲۸	۱۹۱	۱۹۸	۱۵۱	۸۹	فراوانی	پایین
۲۶	۴۰/۵	۶۰/۴	۶۲/۷	۴۷/۸	۲۸/۲	درصد	
۲۲۵	۱۸۵	۱۲۴	۱۱۷	۱۵۷	۲۱۸	فراوانی	متوسط
۷۱/۲	۵۸/۵	۳۹/۲	۳۷	۴۹/۷	۶۹	درصد	
۹	۳	۱	۱	۸	۹	فراوانی	بالا
۲/۸	۰/۹	۰/۳	۰/۳	۲/۵	۲/۸	درصد	
۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	فراوانی	کل
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد	

در جدول ۴، توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان بازانديشی در هویت‌شان و ابعاد آن نشان داده شده است. طبق آماره‌های جدول، ۱۳ پاسخگویان در سطح پایین؛ ۸۴/۸ درصد آنها در حد متوسط؛ و ۲/۲ درصد در حد بالایی در هویت خود بازانديشی

کرده‌اند. میزان بالای پاسخگویان در رده‌ی متوسط یعنی ۸۴/۸ درصد، نشان‌دهنده‌ی این است که بازاندیشی در میان طیف وسیعی از دانشجویان صورت گرفته است.

جدول ۴: میزان هویت بازاندیشانه‌ی پاسخگویان و شاخص‌های آن بر حسب فراوانی و درصد

هویت بازاندیشانه	مقاومت در برابر کلیشه‌های جنسیتی	اهمیت روابط شخصی	تفکر بازاندیشانه	تصور بدن		
۴۱	۹۳	۳۶	۴۹	۱۷۰	فراوانی	پایین
۱۳	۲۹/۴	۱۱/۴	۱۵/۵	۵۳/۸	درصد	
۲۶۸	۲۱۹	۱۸۱	۲۱۵	۱۴۶	فراوانی	متوسط
۸۴/۸	۶۷/۷	۵۷/۳	۶۸	۴۶/۲	درصد	
۷	۹	۹۹	۵۲	۰	فراوانی	بالا
۲/۲	۲/۸	۳۱/۳	۱۶/۵	۰	درصد	
۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	فراوانی	کل
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد	

ب) یافته‌های استنباطی

همان‌طور که قبلاً هم گفته شد، پژوهش حاضر دارای یک فرضیه‌ی اصلی و چهار فرضیه‌ی فرعی است که به منظور بررسی صحت و سقم این فرضیه‌ها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. اطلاعات جدول ۵، حاکی از آن است که بین سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن (اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، حمایت اجتماعی و حجم شبکه‌ی ارتباطی افراد) با هویت بازاندیشانه پاسخگویان همبستگی معنادار مستقیمی وجود دارد؛ یعنی با افزایش سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن میزان هویت بازاندیشانه‌ی پاسخگویان تقویت می‌شود؛ بنابراین فرضیه‌های پژوهش مورد تأیید واقع می‌شوند.

جدول ۵: بررسی رابطه‌ی متغیرهای مستقل با هویت بازانديشانه

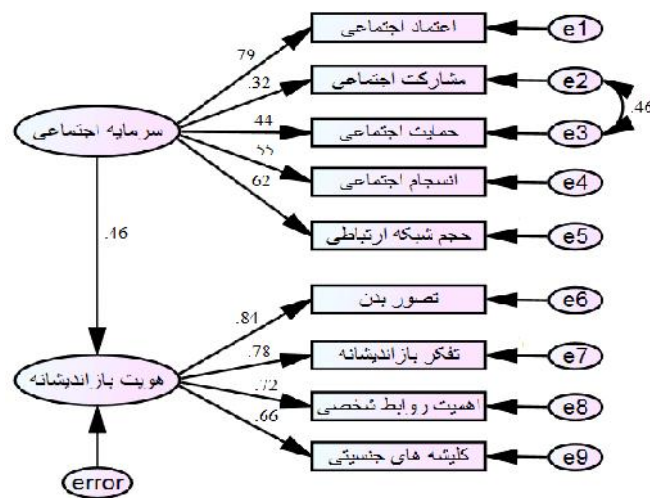
متغیر	مقدار	سطح معناداری	آزمون فرضیه
اعتماد اجتماعی	۰/۳۹	۰/۰۰۰	تأیید
مشارکت اجتماعی	۰/۱۴	۰/۰۱۲	تأیید
حمایت اجتماعی	۰/۱۱	۰/۰۳۶	تأیید
انسجام اجتماعی	۰/۲۱	۰/۰۰۰	تأیید
حجم شبکه‌ی ارتباطی	۰/۲۷	۰/۰۰۰	تأیید
سرمایه‌ی اجتماعی کل	۰/۴۱	۰/۰۰۰	تأیید

برای نشان دادن تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر هویت بازانديشانه‌ی پاسخگویان از آزمون رگرسیون گام به گام استفاده شده است. اطلاعات مندرج در جدول ۶ نشان می‌دهد که همبستگی چندگانه (R) بین ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی و هویت بازانديشانه ۴۸ درصد است. ضریب تعیین (R^2) نیز ۲۰ درصد است. به این معنی که حدود ۲۰ درصد از تغییرات هویت بازانديشانه‌ی پاسخگویان را پنج متغیر اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، حجم شبکه‌ی ارتباطی افراد، انسجام اجتماعی و حمایت اجتماعی تبیین می‌کنند؛ همچنین مقادیر ضرایب تأثیر نشانگر آن است که از بین ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی، به ترتیب بعد اعتماد اجتماعی، حجم شبکه‌ی ارتباطی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی و حمایت اجتماعی بیشترین تأثیر را بر هویت بازانديشانه پاسخگویان دارند.

جدول ۶: مدل رگرسیونی چند متغیره‌ی هویت بازانديشانه‌ی پاسخگویان

متغیر وابسته	ابعاد متغیر مستقل	B	$Beta$	T	Sig	R	R^2	F	Sig
هویت بازانديشانه	اعتماد اجتماعی	۰/۸۷	۰/۳۹	۷/۶۱	۰/۰۰۰	۰/۳۹	۰/۱۵	۵۷/۹۹	۰/۰۰۰
	مشارکت اجتماعی	۰/۷۶	۰/۱۴	۲/۵۱	۰/۰۱۲	۰/۱۴	۰/۰۲	۶/۳۴	۰/۰۱۲
	حمایت اجتماعی	۰/۵۶	۰/۱۱	۲/۱۰	۰/۰۳۶	۰/۱۱	۰/۰۱	۴/۴۲	۰/۰۳۶
	انسجام اجتماعی	۰/۸۲	۰/۲۱	۳/۸۶	۰/۰۰۰	۰/۲۱	۰/۰۴	۱۴/۹۰	۰/۰۰۰
	حجم شبکه ارتباطی	۰/۸۵	۰/۲۷	۵/۱۴	۰/۰۰۰	۰/۲۷	۰/۰۷	۲۶/۴۶	۰/۰۰۰
خلاصه مدل $R=۰/۴۵$ $R^2=۰/۲۰$ $F=۲۳/۹۶$ $Sig=۰/۰۰۰$									

در ادامه، مدل معادله‌ی ساختاری پژوهش حاضر ترسیم شده است. مدل با استفاده از نرم‌افزار *Amos* رسم گردیده و ملاحظه می‌شود که متغیر پنهان وابسته یعنی هویت بازانديشانه از چهار بُعد تشکیل شده است. همچنین یک ضریب بتای استاندارد یا گاما (اثر متغیر بیرونی بر درونی) مشاهده می‌شود که تأثیر متغیر مستقل یعنی سرمایه‌ی اجتماعی بر هویت بازانديشانه‌ی پاسخگویان را نشان می‌دهد. متغیر سرمایه‌ی اجتماعی ۴۶ صدم بر هویت بازانديشانه پاسخگویان تأثیر دارد؛ همچنین مدل نشان‌دهنده‌ی آن است که متغیر سرمایه‌ی اجتماعی با پنج بعد و هویت بازانديشانه با چهار بعد مورد سنجش قرار گرفته‌اند. مجذور بارهای عاملی هر یک از این ابعاد نشان می‌دهد که هر کدام از معرف‌ها تا چه اندازه تبیین‌کننده‌ی متغیرهای پنهان (سرمایه‌ی اجتماعی و هویت بازانديشانه) هستند. ملاحظه می‌شود که متغیر اعتماد اجتماعی بیشترین سهم را در ساختن متغیر سرمایه‌ی اجتماعی و تصور بدن بیشترین سهم را در ساختن متغیر هویت بازانديشانه بر عهده دارند.



شکل ۱: مدل معادله‌ی ساختاری پژوهش

در جدول ۷، تعدادی از مهم‌ترین معیارهای برازش مدل آمده است. به‌طور کلی می‌توان گفت که تمامی شاخص‌های برازش مدل قابل قبول هستند. بنابراین مدل ترسیم شده، نشان می‌دهد که داده‌های تجربی ما می‌تواند تا حدودی با نظریه‌ها پوشش داده شوند.

جدول ۷: شاخص‌های برازش مدل

شاخص‌های برازش مطلق		شاخص‌های برازش تطبیقی			شاخص‌های برازش مقتصد			
<i>GFI</i>	<i>AGFI</i>	<i>CFI</i>	<i>NFI</i>	<i>TLI</i>	<i>PCFI</i>	<i>PNFI</i>	<i>RMSEA</i>	<i>CMIN/DF</i>
۰/۹۱	۰/۹۲	۰/۹۴	۰/۹۶	۰/۹۳	۰/۵۱	۰/۵۲	۰/۰۴	۳/۶۰

نتیجه‌گیری

سرمایه‌ی اجتماعی اساس هویت، شناسایی و اعتبار جامعه است که از طریق اعتمادسازی، افراد را به تعاملات و تعلقات اجتماعی برای رسیدن به اهداف مشخص ترغیب می‌کند. سرمایه‌ی اجتماعی به مثابه چسب عمل نموده و انسجام اجتماعی را تقویت می‌کند (صیدی، ۱۳۹۲: ۱۸۶). ضمن آنکه با فراهم آوردن بستر اعتماد و وفاداری و تعهد، حس همکاری و مشارکت را در بین افراد اجتماع درونی می‌سازد. با توجه به این مهم، پژوهش حاضر با هدف مطالعه رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی با هویت بازانديشانه صورت گرفته است.

یافته‌های توصیفی پژوهش حاکی از آن است که از بین ابعاد متغیر سرمایه‌ی اجتماعی، ابعاد مشارکت اجتماعی ۶۲/۷ درصد پاسخگویان در سطح پایین، در بعد حمایت اجتماعی ۶۰/۴ درصد در سطح پایین و در متغیر انسجام اجتماعی ۴۷/۸ درصد در سطح پایینی قرار دارند؛ و در خود متغیر سرمایه‌ی اجتماعی، ۲۶ درصد پاسخگویان میزان سرمایه‌ی اجتماعی‌شان در حد پایین، ۷۱/۲ درصد در سطح متوسط و فقط ۲/۸ درصد در سطح بالایی قرار دارند. اما در ابعاد متغیر هویت بازانديشانه (تصور بدن، تفکر انتقادی، اهمیت روابط شخصی و مقاومت در برابر کلیشه‌های جنسیتی) بیشتر پاسخگویان در سطح متوسطی قرار دارند و در خود مفهوم هویت بازانديشانه نیز ۱۳ درصد پاسخگویان از سطح

پایین، ۸/۸۴ درصد آنها از حد متوسط و فقط ۲/۲ درصد از سطح بالایی از هویت بازاندیشانه برخوردارند. میزان بالای پاسخگویان در رده‌ی متوسط، نشان‌دهنده‌ی این است که بازاندیشی در میان طیف وسیعی از دانشجویان صورت گرفته است. این یافته‌ها در راستای یافته‌های پژوهش عدلی‌پور و همکارانش (۱۳۹۲) و افراسیابی و خرم‌پور (۱۳۹۴)، است که در مطالعه‌شان نشان داده‌اند که هویت بازاندیشانه در بین اکثر دانشجویان و جوانان شکل گرفته است. علاوه بر این، این یافته‌ها هم‌سو با یافته‌های توسلی و ابراهیم‌پور (۱۳۹۰)، بیانگر این است که فرایند مدرنیته که می‌تواند به زعم‌گیدنز با ترکیب عناصر سنتی و مدرن زندگی اجتماعی، زمینه‌ی رهایی فرد از دایره‌ی تنگ نهادها و عوامل سنتی هویت‌ساز را فراهم آورد، در حدی متوسط توانسته است چنین زمینه‌ای را برای حرکت مطلوب به سوی بازاندیشی هویت فراهم و تعلق‌های هویتی افراد را از زمینه‌های کاملاً سنتی به سوی عناصر مدرن هدایت کند.

اما یافته‌های استنباطی پژوهش حاکی از آن است که بین سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن (اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، حمایت اجتماعی، انسجام اجتماعی، حجم شبکه‌ی ارتباطی) با هویت بازاندیشانه رابطه‌ی معنادار مستقیمی وجود دارد و با افزایش میزان سرمایه‌ی اجتماعی (و ابعاد آن) دانشجویان، میزان هویت بازاندیشانه‌ی آنها نیز تقویت می‌شود. این یافته در راستای پژوهش‌های مرور شده در پیشینه‌ی پژوهش است که همگی بر رابطه‌ی معنادار مستقیم بین سرمایه‌ی اجتماعی و هویت اذعان دارند؛ همچنین این یافته در راستای نظریه‌ی گیدنز نیز قرار دارد. به باور گیدنز، هویت عبارت است از خود، آن طوری که شخص از خودش تعریف می‌کند. انسان از طریق کنش متقابل با دیگران است که هویتش را ایجاد می‌کند و در جریان زندگی پیوسته آن را تغییر می‌دهد. هویت امری پایدار نیست، بلکه یک پدیده‌ی پویا و سیال و همواره در حال ایجاد شدن و عوض شدن می‌باشد. از نظر وی، هویت در واقع همان چیزی است که فرد به آن آگاهی دارد. به عبارت دیگر، هویت شخص چیزی نیست که در نتیجه‌ی تداوم کنش‌های اجتماعی فرد به او تفویض شده باشد، بلکه چیزی است که فرد باید آن را به‌طور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیت‌های بازتابی خویش مورد حفاظت و پشتیبانی قرار دهد. بنابراین،

افراد در کنش‌های روزمره و با تفسیری که از کنش‌های خود و دیگران دارند و همچنین با ارجاع به منابع هویت‌ساز (که سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند یکی از این منابع باشد) اقدام به تشکیل هویت خود می‌کنند. در واقع، این روابط و تعاملات کنشگران با هم و در محیط اجتماعی تحت تأثیر هنجارها و ارزش‌هایی است که می‌تواند باعث تسهیل کنش‌های کنشگران گردد و به شکل‌گیری هویت بازانديشانه افراد کمک کند.

علاوه بر این، متغیرهای مستقل وارد شده در مدل رگرسیونی پژوهش توانسته‌اند ۲۰ درصد از تغییرات هویت بازانديشانه پاسخگویان را تبیین کنند. از بین این ابعاد، به ترتیب بعد اعتماد اجتماعی، حجم شبکه‌ی ارتباطی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی و حمایت اجتماعی بیشترین تأثیر را بر هویت بازانديشانه پاسخگویان دارند.

فهرست منابع:

- افراسیابی، حسین و خرم‌پور، یاسین (۱۳۹۴). "مطالعه‌ی بازاندیشی اجتماعی در میان جوانان شهر یزد"، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و ششم، شماره‌ی ۵۹.
- امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد؛ صادقی نقدعلی، زهرا؛ رهبرقاضی، محمودرضا و نوعی باغبان، سید مرتضی (۱۳۹۲). "بررسی رابطه‌ی مصرف رسانه‌ای و انسجام اجتماعی (مطالعه‌ی موردی: جوانان شهر تبریز)"، مطالعات توسعه‌ی اجتماعی - فرهنگی، سال اول، شماره‌ی ۴.
- توسلی، غلامعباس و ابراهیم‌پور، داود (۱۳۹۰). "هویت‌یابی مدرن و سرمایه‌ی اجتماعی دانشجویان"، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، شماره‌ی ۱.
- جهانگیری، جهانگیر و معینی، مهدی (۱۳۸۹). "بررسی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و هویت ملی (نمونه‌ی مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شیراز)"، مجله‌ی علوم اجتماعی و دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال هفتم، شماره‌ی ۲.
- جوهری، فاطمه و باقری، لیلا (۱۳۸۶). "تأثیر استفاده از اینترنت بر سرمایه‌ی اجتماعی و انسانی"، مجله‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی، سال پانزدهم، شماره‌ی ۵۸-۵۹.
- حسینی، علی‌اصغر (۱۳۸۹). "بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی"، مجله‌ی معرفت، سال نوزدهم، شماره‌ی ۴.
- خانی‌جزنی، جمال (۱۳۸۸). هویت مجازی، تهران: مهرتاب.
- خدایی، ابراهیم و مبارکی، محمد (۱۳۸۸). "سرمایه‌ی اجتماعی و هویت: رابطه‌ی متقابل"، دانشنامه‌ی علوم اجتماعی، سال اول، شماره‌ی ۲.
- رفیعی جیردهی، علی و حبیب‌زاده خطبه‌سرا، رامین (۱۳۹۳). "سرمایه‌ی اجتماعی نسل جوان و نسل کهنسال و عوامل مؤثر بر فرسایش آن"، مطالعات توسعه‌ی اجتماعی - فرهنگی، سال دوم، شماره‌ی ۴.

رنانی، محسن؛ دلیری، حسن و مؤیدفر، رزیتا (۱۳۸۸). "نقش منابع هویت و معرفت در تشکیل سرمایه اجتماعی در میان دانشجویان دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان"، رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۸.

ریاحی، محمداسماعیل؛ علی‌وردی‌نیا، اکبر و پورحسین، سیده زینب (۱۳۸۹). "بررسی رابطه‌ی بین حمایت اجتماعی و سلامت روان"، رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۹. زاهدی، محمد جواد؛ شیانی، ملیحه و علی‌پور، پروین (۱۳۸۸). "رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی با رفاه اجتماعی"، رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره ۳۲.

زلفعلی‌فام، جعفر و ابراهیم‌پور، داود (۱۳۸۷). "بررسی تأثیر صنعت فرهنگ بر هویت اجتماعی با تأکید بر شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای"، فصلنامه‌ی رسانه، شماره ۷۶. شارع‌پور، محمود (۱۳۸۷). ابعاد و کارکرد سرمایه اجتماعی و پیامدهای حاصل از فرسایش آن، مجموعه مقالات بررسی مسائل اجتماعی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

شارع‌پور، محمود و خوش‌فر، غلامرضا (۱۳۸۱). "رابطه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان (مطالعه‌ی موردی: شهر تهران)"، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره ۲۰. صیدی، علی (۱۳۹۲). بررسی تجربی رابطه ابعاد سرمایه اجتماعی و هویت اجتماعی (مورد مطالعه: دانش‌آموزان پسر مقطع پیش دانشگاهی شهر ایلام)، فرهنگ ایلام، سال چهاردهم، شماره ۴۰ و ۴۱.

عبداللهی، محمد و موسوی، میرطاهر (۱۳۸۶). "سرمایه اجتماعی در ایران؛ وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار"، رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۵. عدلی‌پور، صمد (۱۳۹۱). تحلیل جامعه‌شناختی پیامدهای شبکه‌های اجتماعی مجازی بر هویت اجتماعی کاربران جوان شهر اصفهان، دانشگاه اصفهان: دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی.

عدلی پور، صمد؛ یزدخواستی، بهجت و خاکسار، فائزه (۱۳۹۲). "شبکه‌ی اجتماعی فیس‌بوک و شکل‌گیری هویت بازاندیشانه در بین دانشجویان دانشگاه تبریز"، پژوهش‌های ارتباطی، سال بیستم، شماره‌ی ۳.

فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۶). پایان نظم: سرمایه‌ی اجتماعی و حفظ آن، ترجمه‌ی غلامعباس توسلی، تهران: حکایت قلم نوین.

فیروزجائیان، علی‌اصغر و علی‌بابایی، یحیی (۱۳۹۲). "فرسایش سرمایه‌ی اجتماعی و قانون‌گریزی در شهر تهران"، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، سال چهاردهم، شماره‌ی ۱. قادرزاده، امید (۱۳۹۰). "تأثیر اشکال مختلف سرمایه بر هویت جمعی زنان"، زن در توسعه و سیاست، سال نهم، شماره‌ی ۳.

قاسمی، وحید؛ عدلی پور، صمد و میرمحمدتبار، سید احمد (۱۳۹۲). "رابطه‌ی هویت دینی و اعتماد اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه مازندران"، دین و ارتباطات، سال بیستم، شماره‌ی ۲.

گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۹). جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت، تهران: نشر نی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸). تجدد و تشخص، ترجمه‌ی ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹). پیامدهای مدرنیت، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: مرکز.

موسوی، میرطاهر (۱۳۸۵). "مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی"، رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره‌ی ۲۳.

ناطق پور، محمدجواد و فیروزآبادی، سید احمد (۱۳۸۵). "شکل‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی و فراتحلیل عوامل مؤثر بر آن"، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۲۸.

هزارجریبی، جعفر و لهراسبی، سعید (۱۳۹۰). "بررسی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی با میزان هویت جمعی"، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره‌ی ۲.

وحید، فریدون؛ کلانتری، صمد و فاتحی، ابوالقاسم (۱۳۸۳). "رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی با هویت اجتماعی دانشجویان (مطالعه‌ی موردی: یازده دانشگاه دولتی شهر تهران)", سال هفتم، شماره‌ی ۲.

Bourdieu, P. (1986). The Forms of Capital, in J. Richardson (ed.) Handbook of Theory and Research for Sociology of Education, New York: Greenwood Press.

Christoforou, A. (2012). "On the identity of social capital and the social capital of identity", Cambridge Journal of Economics, Vol. 37, No. 4.

Cohen, D, & Prusak, L. (2001). In Good Company: How Social Capital Makes Organizations Work. Harvard Business Press.

Coleman, J. (1994). Foundation of Social Theory, Cambridge.

Davis, J. B. (2014). Social capital and social identity: trust and conflict, Forthcoming in Social Capital and Economics: Social Values, Power, and Identity, A. Christoforou and J. Davis, eds., London: Routledge.

Giddens, A. (1991). Modernity and self-Identity, Cambridge: Polity Press.

Jiang, H. & Carroll, J. M. (2009). Social capital, social network and identity bonds: A reconceptualization, Conference: Proceedings of the Fourth International Conference on Communities and Technologies, University Park, PA, USA.

Kononenko, R. & Karpova, E. (2012). "Collective identity and social capital of the contemporary Russian folklore movement", Anthropology of East Europe Review, Vol. 30, No. 2.

Portes, A. (1998). "Social capital: its origins and applications in modern sociology", *Annual Review of Sociology*, Vol. 24.

Scott, J., & Marshall, G. (2009). *Oxford Dictionary of Sociology*, Oxford University Press.